



26 آگست 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

## مجموعه ارشادات و بیانات شاه امان الله غازی

### حین لویه جرگه 1303

به مناسبت نود و نهمین سالگرد استقلال کشور  
(قسمت دهم)

#### نظریات و مشاورت لویه جرگه در مسایل داخلی

اجلاس روز پنجشنبه ۲ اسد

غور بر "نظامنامه نفوس" در ارتباط با قبولی "عوض و بدل" خدمت عسکری موجب ادامه مباحثات گردید و یکی از وکلاء از اعلیحضرت تقاضا کرد که: «اعلیحضرت! فدایت شویم از عدم قبولیت عوض برای ملت و فاکیشیت تکلیف بسیار زیاد عائد میشود و در نظام امورات شان بواسطه بیرون آمدن اسم آنها در قرعه عسکری یک سکت و تعطل بوقوع می انجامد، بلکه بسا اشخاص چون مرجع الیه و سر پرست عائله و فامیل و زراعت و تجارت و دیگر امور معیشت خود بالذات میباشد، بمجردیکه اسمش در قرعه کشی برآمد، تمام اموراتش خراب و بر باد میگردد. اگر حکومت از امثال این رجال معذور بهر گونه شرائط و ضوابطی که خواسته باشد، عوض قبول کند و یا بدل عسکری را تقلیل نماید، خالی از فوائد نخواهد بود.»

**اعلیحضرت فرمودند:** «علت موقوفی عوض از آنست از تجربه های چندین ساله که این عاجز از زمان شهزاده گی خود که این کار ها در آن ایام هم بمن محول بود، الی آآن نموده ام خوب دیدم و سنجیدم که از عوض هیچ یک فائده نه برای اصل و نه برای دولت عائد میشود. شخص عوض اولاً بهزار عذر و معذرت پیدا میشد و نرخ خود را دو بالا نشان داده دو چندان خساره را که برای شخص اصل در صورت انجام دادن خودش بالذات در خدمت نظامی عائد میشد، لا حق میکرد. در بسا اوقات بعد از اخذ بدل عوض از اصل و پوشیدن البسه نظامی و تحت سلاح آمدن فرار کرده دو باره اصل خود را بدست محصلان میداد. اکثریه که غیرحاضر میماند، رقعہ غیرحاضری او بهمراه محصل بر اصل می آمد. از یکطرف پول تنخواه اصل مفت میرفت و از جانب دیگر دو چندان آنرا جهت استرضای عوض خود بدو میپرداخت و همواره موجبات خشنودی او را حاصل میکرد. همچنان دولت نیز دچار مشکلات بوده دائماً قرارگاه های نظامی مصروف به شنیدن عرائض و گذارشات اصل و عوض میبود و نقص کلی که بدولت وارد میشد این بود که در موقع لزوم ضرورت، عوض حاضر نمیشد دولت مجبوراً اصل را میخواست که آن بیچاره از کار نظام اطلاع نمیداشت و علاوه برین نقصانات دیگری نیز داشت که تذکرش بطوالت می انجامد.»

**اعلیحضرت در ادامه علاوه کردند:** «دیروز ما نتیجه تام و ثمره تسلیمت انجام آخری خود را نشان نداده بواسطه اختتام وقت فیصله آن ملتوی به ایوم ماند. اغلباً شما حضار محترم درین مورد دیشب کدام یک فکر خوب و طریقه مرغوبی را نیز سنجیده خواهید بود، نظریات خودم نسبت به ازدیاد بدل عسکری و

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

عدم قبولیت عوض، همان بود که دیروز برای تان بالتفصیل باخرابی و مضار آن گفته شد، اینکه دیده شود که رأی و مفکوره شما چیست؟»

اعضای لویه جرگه باز هم اصرار بر قبولی عوض و یا تقلیل تادیه برای بدل داشتند. تا آنکه **اعلیحضرت بعد از شنیدن سخنان هریک فرمودند:** «واعجبا از اول مبحث الی آلان شما میگوئید که عوض و تقلیل بدل عسکری جهت اشخاص بیکس منظور شود، حالانکه در نظامنامه برای اشخاص بیکس از خدمت نظامی بدون از عوض و بدل عسکری معافی داده می شود» و **علاوه کردند:** «از میلان طبیعت و وضعیت عموم تان معلوم شد که عوض را قلباً و جدماً خواستارید و از پربشانیها و سرگردانی هائیکه برای تان در عوض از قبیل گریختن عوض و زیاده پول گرفتن و از دست کشیدن خدمت و گریختاندن اسلحه قریب به اختتام موعد خدمت را گذاشتن و رو پوش شدن و امثال آن پروا ندارید، لهذا حکومت حاضر است باشرائط ذیل عوض شما را بپذیرد»

شرایط عوض و تائیدات لویه جرگه:

شرط اول: - بعد از اینکه شخص اصل عوض خود را بقوماندان نظامی بسپارد، بعد عوض فرار کند اگر چه به ختم موعد عسکری چند ماه باقی مانده باشد، آن مردی که اصالتاً نامش در قرعه عسکری برآمده باشد، مکلف است که خودش رسماً آمده موعد خدمت عسکری خود را پوره کند و یا بدل عسکری را بپردازد. (لویه جرگه: ما حاضریم که نه تنها یکی از این دو امر را قبول دار شویم، بلکه دولت لازم دانسته برین فرار نمودن عوض بر شخص اصل جرمی هم معین کند، قبول داریم).

شرط دوم: - به تاریخی که خود اصل و یا عوض دیگرش بخدمت حاضر عسکری شود، لازم که از همان تاریخ الی دوسال خدمت عسکری را پوره کند. (لویه جرگه: ما نیز خواهشمندیم که نه تنها موعد مقرر را پوره کنیم، بلکه اگر دولت اضافه برین موعد معینه دیگر خواهشی داشته باشد، اکمال می نمائیم).

شرط سوم: - هرگاه شخص اصل عوض خود را به قوماندان عسکری بسپارد، اما بعد از چندی عوضی او اسلحه سر کار را مفقود و یا در حین فرارش باخود ببرد، تاوان بر ذمه اصل است. (لویه جرگه: ما نیز قبول داریم که تاوان اسلحه را با جرمیکه حکومت لازم بداند، تحویل نمائیم).

شرط چهارم: - آن شخصیکه اسمش در قرعه عسکری برآید و خواهش عوض دادن را کند، لازم که سن عوض او باندازه سن همان نفری باشد که آنرا نظامنامه نشان میدهد. (لویه جرگه: بسیار خوب بر طبق خواهش حکومت خود چنان اشخاصی را در سلک نفری عسکر عوضاً میفرستیم که بسیار جدی و فعال و مرد کار و قابل تعلیم باشند).

شرط پنجم: - اگر عوض بعد از دخول ملازمت عسکری داعی اجل را لبیک گفته فوت کند، در اینصورت شخص اصل را تکلیف داده نمیشود. (لویه جرگه: این یکی از مهربانی های اعلیحضرت است و الا در اینصورت هم اگر اعلیحضرت شهریاری لازم بداند ما حاضریم که شخص اصل و یا عوض عسکری را برای پوره کردن موعد مذکور بفرستیم).

شرط ششم: - شخصیکه یکمرتبه در سلک عسکری خدمت کرده باشد و قواعد و ضوابط آنرا کامل بداند، در دوره ثانی عوض شخص دیگر منظور نمیشود. (لویه جرگه: مقصد از اخذ نفری در نظام بالفعل صرف یاد گرفتن تعلیم است، نه محاربه زیرا در وقت محاربه نه تنها اشخاص تعلیم یافته، بلکه عموم ملت افغان حاضر و آماده اند که در مقابل اعدای دین و خائنان داخلی و خارجی بر آمده، داد شجاعت و حماسه را داده دشمنان خود را مغلوب و منکوب سازند. معلوم است که در این صورت ما چنان اشخاصی را خواهیم فرستاد که جوان رسا، و سالم الاعضاء و قابل اخذ هر گونه تعلیم باشند).

شرط هفتم: - هر آنمرد عوضیکه تعلیم یافته فنون عسکریه و قواعد و ضوابط عسکری را بخوبی میدانند، لازم است در موقع اعلان حرب همان عوض حاضر بشود. (لویه جرگه: در چنین فرصت نه تنها

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

تعلیم یافته بلکه صغیر و کبیر، پیر و جوان ما سکنه افغانستان قرار احکام خداوندی حاضر شده، داد شجاعت و اسلامیت و افغانیت خویش را در مقابل اعدای دین و بد خواهان ملک و ملت خود میدهم).

شرط هشتم: - در موقع اعلان حرب از اشخاصیکه اسماء شان در قرعه عسکری ظاهر شود، بدل نقدی منظور نمیشود و لازم است که حتماً داخل نظام شود. ( لویه جرگه: باید که قبول نشود، زیرا که دشمن را مرد سرباز و سر نیزه بکیفر کردارش میرساند، نه اینکه که پول و پیسه سد راه خیانت و جنایت او شده میتواند).

**اعلیحضرت در زمینه سوابق "بدل" فرمودند:** «در از دیاد بدل عسکری قبلاً بشما گفتم چون بدل عسکری در اوائل (۳۰۰) روپیه گذارده شد، اکثری از اشخاصیکه اسماء شان در خدمت نظام می برآمد، بدلش را تحویل میکردند. چون وزارت حربیه ما سرباز بکار داشت، محض سد باب تحویل پیسه بدل عسکری را مکرراً تا مبلغ (۷۰۰) و چند روپیه افزودیم. اکنون که شما خواهش تقلیل آنرا مینمائید، محض خاطر داری شما چیزی از آن مبلغ و وقت موعده (سنه ۱۳۰۴) می گاهیم، مشروط براینکه نفری حتی الامکان به تحویل بدل عسکری از خدمت با شرف نظامی نکول نکنند. در آن صورت که ما دیدیم و فهمیدیم که قرار قرعه و نوبت خود اکثریه داخل خدمت عسکری میشوند، البته زیاده برآن در بدل عسکری تقلیل میکنیم».

یکنفر سید (وکیل لویه جرگه) عرض کرد و گفت: اعلیحضرتا! اگر برای سادات و آل رسول از خدمت عسکری معافی داده شود، چقدر خوب خواهد شد تا بدعا گوئی دین و دولت مشاغلته داشته باشند.

**اعلیحضرت** (برین خواهش بیجای سید صاحب ایراد داشته از روی آیات و احادیث و امثال و دلائل و طرز عمل اسلاف و نیاکان اسلامی مخصوصاً خانواده آل نبی این مفعوره او را غلط نشان داده) **ضمناً فرمودند:** «جناب سید صاحب! آیا شما از تواریخ معلوماتی دارید؟ و کتب سیر را مطالعه نموده اید؟ و از کارنامه های جد امجد مبارک خود و آل بیت شان اطلاعی دارید که آنها در مواقع جهاد چطور جذبات شانرا اظهار مینمودند؟ و تا کدام درجه در احیای جذبات اهالی میکوشیدند؟ و آیا خبر دارید که دندان مبارک سرور و سردار و پیغمبر و آقای ما حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم در کدام موقع بشهادت رسیده است؟»

حضرت سید صاحب! ما امتان جد امجدت که به تعظیم و تکریم شمایان میکوشیم، محض از اینجهت است که شما در تائید دین مبین و اعلائی کلمة الله مساعیات جمیله خود ها را به انتهای فعالیت و جدیت بخرچ داده و خار چشم دشمنان و سد آهنین بر روی اعدای دین و شریعت سیدالانسان و الجان باشید، هنگامیکه شما از جهاد و پیروی حقیقی دین محمدی پهلو تهی کنید، پس ما چرا بشما عقیدت بپرورانیم؟

**اعلیحضرت** در این جا مقوله پشتو را خاطر نشان کردند و فرمودند: «ما چي لا بللي چه تاتکی په گته و کاري». (مفهومش اینکه: "ترا که من لالا میگفتم، از اینجهت بود که برای من ساجق را با انگشت خود از درخت برآوری")؛ و علاوه کردند: «در صورتیکه شما بجهاد و اعلائی کلمة الله و حب وطن و تحفظ ناموس خود و علاقمندی نداشته باشید، ما شما را چرا محبوب خود خواهیم پنداشت. (در اینموقع نفری قندهاری و اهالی سمت مشرقی که بنزاکت این مثل فهمیدند، فی البدییه بعرض رساندند: "مور لا لا نه یله کوو." یعنی مقصد اینکه ما لالا و آقای خود را ابداً تنها نخواهیم گذارد).

اگر چه بعد از اختتام کلام اعلیحضرت عموم چنان تصور داشتند که جناب سید صاحب دیگر اظهاری در این مطلب نخواهند کرد! اما بر خلاف توقع، باز موصوف مؤدبانه بر پا خوسته بالفاظ معذرت آمیز خواستار معافی شده گفت: «تاحال در عصر سلطنت اعلیحضرت غازی بهر اندازه که نفری برای عسکر خواسته شده، تماماً در عمر از ۲۲ ساله الی ۲۷ ساله بوده اند. اگر ذات همایونی درس این

نفری وسعت داده اشخاصی را که عمر از ۲۰الی ۴۰ باشند، تماماً در نظام قبول کنند، بخیالم از فائیده خالی نخواهد بود.»

**اعلیحضرت در جواب فرمودند:** «مقصد ما گرفتن جوانانیکه عمر شان از ۲۲ الی ۲۷ سال میباشد، اینست که اکثریه اینچنین اشخاص بعلائق دنیوی چنانچه قبلاً گفته شد، گرفتار نمیشاند، نه از خود اکثریه عیال داشته میباشند و نه اطفال و عموماً اینچنین اشخاص در خانه جهت اداره امورات محلی خود، پدر، برادر کلان، عم، خال و دیگر خویشاوندان قریب ضرور داشته میباشند و هم قوه تعلیم و ملکه تحفظ نظریات و اجراءات را خوبتر داشته میباشند و هم گزاره عمومی اینچنین نظامی که بیک عمر و بیک سن و بیک فکر و بیک طرز باشند، بر فاهیت و عیش قرین بوده یکی از مجالست دیگر خود محظوظ میشود و ممنون میگردد و باهم دیگر یک علائق رفاقت و دوستی را قائم میدارند و بالعکس اگر درین میان یکنفر معمر یک شخص سالخورده باشد، نه تنها عیش آنمرد پخته سال از صحبت این جوانان منغص بلکه گزاره و نشست و برخاست جوانان نیز از مجالست آنمرد کلان سال در انخلال [مُخَل] است و علاوه کاری که از جوانان گرفت میشود، از دیگری گرفته نمیشود و علی هذا. البته در صورتیکه وزارت حربیه در تعداد مطلوبه خود ازین جوانان تقلیل را ملاحظه کند، دسته دیگر از اشخاصیکه در عمر نسبتاً بالاتر از آن باشند، جلب میشوند.»

**در ارتباط با مباحثات در "نظامنامه نفوس"** یکی هم موضوع داشتن تذکره (ورق تثبیت هویت شخص به حیث تبعه افغانستان) بود که عده ای از وکلای لویه جرگه خواهان بعضی تعدیلات در مواد آن بودند و نفاط نظر خود بالنوبه ابراز میکردند،

**اعلیحضرت در این موضوع فرمودند:** «علمای کرام که تعدیل بعضی شرائط تذکره نفوس را خواستارند، درین مطالبه ما آنها را قرار خیال و مفکوره خود شان حق بجانب می پنداریم، لکن فوایدی را که حکومت از وضع این شرائط تحت نظر گرفته بود، منجمله آن یکی این است که در موقع دعاوی برای قضات تسهیلات و معرفی طرفین را فراهم آورده حاجت گرفتن تذکره نمی شد و هم در نکاح، شخصی میتوانست که نسب خود را بیوشاند و بفریب خود را کفو دیگر نشان بدهد، هم برای معرفی شهود و گواه در عموم دعاوی برای محاکمه عدلی فواید بسیاریرا عائد کند در موقع فروش و خرید املاک و دیگر اشیاء نیز فائده مند بود و برای دولت نیز علاوه بر اینکه تبعه خود را می شناسد، دیگر تسهیلات را بعمل می آورد و اکنون شنیده میشود که بعضی علماء» برین تنقید دارند. اینک من بدون گفت و شنید و ترضیع اوقات مجلس آن قیود را مرتفع نموده بعوض آن دیگر قیود ذیل سیاسی وضع میشود:

شرائط اول: در زمانیکه قطع محاسبات خود را شخصی با دولت مینماید، لازم است که تذکره خود را نشان بدهد و اگر تذکره خود را ظاهر نکرد، الی تصفیه معاملاتش از طرف حکومت بالایش محصل مقرر است.

شرائط ۲: در وقتیکه وجه محصول را تحویل میدارد، قاعدتاً تذکره خود را ظاهر کند و الا بدون تذکره اموالش محصول نشده بلکه ضبط میشود.

شرائط ۳: وقتیکه خیال ملازمت دولت را شخصی میکند، ضرور است که تذکره خود را نشان بدهد و الا حکومت چنین شخصیکه تذکره نداشته باشد، ویرا استخدام نمیکند.

شرائط ۴: شخصیکه پساپورت نداشته باشد، البته حکومت او را نمیگذارد که بخارج برود.

شرائط ۵: شخصیکه تذکره نداشته باشد، از طرف دولت ابداً برایش تقاوی داده نمیشود.

شرائط ۶ : اطفالی که داخل مکاتب میشوند، ضرور است که پدر و یا خودشان تذکره خود را ظاهر سازند و الا بدون تذکره حق دخول مکتب را ندارند.»

از آنجائیکه بحث بر امور داخلی و تعدیل و تصویب نظامنامه ها به پایان رسیده بود، **اعلیحضرت** (حین بحث بر "نظامنامه محصول گمرکی" با اشاره به وظایف لویه جرگه) **فرمودند:** «مقصد از انعقاد این مجلس عالی اصلاحات اساسی است، نه بحث و مذاکره کردن در امورات جزوی و گذارشات عادی و معمولی. مثلاً نظام قومی باشد یا جبری؟ تعزیربالمال جائز است یا نی؟ و امثال آن، ما و شما برای جزئیات مؤظف نمی باشیم. این اباحت داخل وظائف مجلس عمومی شورای دولت و مجلس عالی وزراء است. امثال شما اشخاص منورالفکر را نبایستی که بر خلاف مقررات مجلس در اضاعه اوقات قیمتدار لویه جرگه اباحت بی موقع را ایراد دارید و اشخاص کوتاه نظر و بی فکر را مجبوراً در مغالطه بیندازید. همه شما خوبتر و بهتر میدانید که این رسومات دولتی را این خادم تان برای مفاد شخصی خود از شما تحصیل نمیکند. اگر مقصد تان از پیچیدن این بحث باشد که فلان تاجر و فلان صاحب ثروت را از خود خوش بسازید، پس برای ما و شما حصول رضای خداوندی و خوشنودی روح پر فتوح نبوی از حد افزون و ضروری است، بیائید که مزید بر مزید ما و شما بر اوامر و نواهی دین خود پابندی را اختیار کنیم و احکامی را که مذهب ما و شما در حفاظت دین مبین اسلامی و ملک و ملت ارشاد فرموده است آنرا بجا بیاوریم. معلوم است که تحفظ ناموس دین و مملکت و ملت و دولت ابداً بدون از قوت امکان پذیر نیست و قوت چیز نیست که در اثر ثروت بعمل میآید. ثروت افغانستان به همه شما عیان است که وابسته بهمین اخذ رسوم گمرکی و مالیات و زکوة است و بس. فی الحال اگر شما نظریه را مطرح مذاکره بنمائید که مالیات و رسوم گمرکی و محصول مواشی و غیره مطالبات حکومت از نزد شما ملت مناصفه تحصیل شود، گمان میکنم که هیچ یکی درین پیش نهاد با شما مخالفت نخواهد کرد و تماماً خواهش منظوری این نظریه را خواهند کرد، فاما بعد از مدتی که اثرات سنگین آن بجان و مال و ناموس و هستی و بالاخر بدین و آئین و مذهب و مشرب تان از طرف دشمنان شما وارد آید، علی الفوریه تنها با عطای مال و ثروت خود بلکه بریزاندن خون خود نیز خودداری نمیکند. امثال این اقوال را که من بشما تکلیف کنم، بایستی نظر بخزاییهای که از آن بشما تولید شدنی است، قبول میکنید.»

**اعلیحضرت در مورد لزوم وضع محصول گمرکی بر متاع وارداتی از خارج فرمودند:** «مقصد از افزون محصول بر بعضی اشیاء غیرمفید است تا ادخالات [واردات] خارجیه اگر خواست خدا باشد و ملت عزیزم غیرت و همت را شیوه خود بنمایند و در صنایع و پیداوار مملکت خود ترقیات شایانی را از قوه بفعل بیاورند، کاملاً قطع شده بجای آن از مملکت ما چیزهای عجیب و غریبی بدیگر ممالک فرستاده شود، یگانه موقع و خوشنودی و شکر گذاریم. روزی خواهد بود که بهمین عرق جبین شما از ادخالات خارجیه مستغنی گردیم و برایشیای موجوده مملکت خود قناعت کنیم. اگر شما مکرراً میگوئید که از زیادت محصول در تجارت نقصان میشود، برادرم! اگر تاجر ما در تجارت داخلی خود در بعضی اشیاء بر طبق رغب شما نقصانی را خدا نخواسته بنگرند، از این نقطه نظر که به اندازه همان نقصان پول و ثروت در میان مملکت بدست ملت باقیمانده است، باکی ندارد. شما بار بار میگوئید از این شیوه برای دولت در محصول نیز خساره عائد است، آگاه باشید! که دولت شما نیز بدین خساره و نقصی که از این رهگذر برایش عائد گردد، پروا ندارد، زیرا همان پولیکه دولت بصورت محصول تجارت میگرفت، بجیب ملت ماند. ملت کیست، عضوی دولت و ثروت و هستی ملت را عیناً مانند ثروت خود می انگارد، خلاصه مقصد این است که اگر شما کدام اعتراض اساسی

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

برین نظامات داشته باشید، بسم الله بفرمائید و اگر گفت و شنیدی را در جزویات خواستار باشید، از آن نیز شما را مانع نمی شوم. بسم الله بریاست شورای دولت حاضر شوید و یا نظریه خود را بمجلس عالی وزراء که برای همین خدمات مؤظفند، تقدیم کنید. این مجلس عالی برای اباحت جزوی منعقد نشده و الا اگر از فروع و جزویات در این بحث رانده شود، لامحاله باید مدت او را تا ده سال اطاله دهیم. «

(ادامه دارد)

---

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ